

آیا انتقال مرکزیت سیاسی از شهر تهران، می‌تواند حل مشکلات آن را ممکن سازد

تدوین شهریور ۸۹

- تهران کلانشهری است که در اغلب شاخص‌های سکونت شهری، خطوط قرمز را پشت سر گذاشته است:
- ۱- با تولید ۱۴۰۰ تن آلاینده در سال، در تهران در بیشتر روزهای سال آلاینده‌های هوا، بالاتر از مرز خطر قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از امراض ریوی و قلبی شهروندان تهران ناشی از این امر است. گفته می‌شود، این امر حداقل ۵ سال عمر تهرانی‌ها را کوتاه‌تر از طول معمولی آن خواهد کرد.^۱
 - ۲- گنجایش تهران تنها برای ۷۵۰ هزار اتومبیل است، یعنی ۳۰ درصد تعداد اتومبیل‌های فعلی.
 - ۳- به‌طور متوسط روزانه ۱۰ میلیون ساعت وقت شهروندان در ترافیک (بیش از زمان معمول سفر) تلف می‌شود، که معادل حدود ۷ درصد زمان کار مفید کشور است.^۲ و به‌همین علت مصرف سرانه بنزین در تهران ۲/۵ برابر دیگر شهرهاست.
 - ۴- خانم دکتر ابتکار رئیس کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران با توجه به نتایج مطالعات آلودگی هوایی تهران میزان بنزین در هوای تهران را بیست برابر مقدار مجاز اعلام نمودند.^۳
 - ۵- دو گسل اصلی زلزله، شمال و جنوب آن را در می‌نوردد، که با ده‌ها گسل منشعب از آنها کل شهر را، در زون خطر بالای زلزله قرار می‌دهد. بهرام عکاشه پدر زلزله‌شناسی ایران نیز تغییر مرکزیت سیاسی از تهران را ضروری تام می‌داند و معتقدین در بیش از ده کشور دیگر دنیا این عمل به خوبی انجام شده است.^۴
- طبق نظر مشاور ژاپنی ریز پهنه‌بندی زلزله تهران، " اگر زلزله تهران اتفاق بیفتد، موجب بروز بزرگترین فاجعه تاریخ بشری خواهد شد" و البته حتی ممکن است امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور به خطر افتد.
- ۶- براساس گزارش مخبر فراقسیون محیط‌زیست مجلس، ماهیانه هفت هزار نفر در اثر آلودگی ناشی از ذرات معلق در فضا فوت می‌نمایند.
 - ۷- براساس آمار سازمان بهشت زهرا در نه ماه اول سال ۱۳۸۷ از ۳۷ هزار و ۲۸۸ متوفی تهران، تنها ۱۴ نفر بر اثر مرگ طبیعی فوت شده‌اند. در همین نه ماه ۶ هزار و ۲۴۹ شهروند تهران دچار ایست قلبی شده‌اند، که در تمام سال قبل، ۵ هزار و ۶۹۸ نفر بوده‌اند.

۱- اگر کوشانفر در همایش سالانه انجمن پزشکان کودکان ایران، به‌علاوه ایشان تنفس در تهران را در هر ساعت معادل کشیدن ۹ نخ سیگار توصیف کردند

(آرمان ۱۹ اردیبهشت ۸۹، شماره ۱۳۳۰)

۱- حدود ۲ میلیارد ساعت در سال- برآورد باقر میلانی

۳- آرمان، شماره ۱۳۷۲، نهم تیرماه ۸۹

۴- آفتاب یزد، شماره ۲۸۳۵، پنجم بهمن ۱۳۸۸

۸- کاسه طبیعی تهران نیز دیگر توان پذیرش جمعیت بیشتر و عوارض آن، مثل فاضلاب و ده‌ها فشار زیست محیطی دیگر را ندارد. برآوردها این سقف را به‌طور مطلوب ۵/۵ و حداکثر را ۷/۵ میلیون نفر می‌داند. این چهار عامل اصلی، سرنوشت رو به فاجعه تهرانند. به‌راستی آیا برای تهران راه نجاتی متصور است؟

راه‌حل‌های ارائه شده

طرح جامع تهران و در پی آن طرح مجموعه شهری تهران، اساسی‌ترین راهکار برای حل مشکلات یاد شده، (در اولین مرحله) تثبیت جمعیت تهران، در حد ۷ میلیون و ۶۵۰ هزار نفر (یا حداکثر ۸/۳۰۰) می‌داند. (طرح جامع اول تهران این حد را به‌درستی ۵/۵ میلیون نفر برآورد کرده بود).

در واقع برای این منطقه، که از سه طرف بسته است و هوا حتی زمان‌هایی که از طرف باز آن وارد شهر می‌شود، در آن راکد می‌گردد، ظرفیتی بیش از این مقدار، متصور نیست. این امر به‌خصوص با توجه به اینکه اصولاً تهران در منطقه‌ای مخاطره‌آمیز قرار دارد، کاملاً منطقی به‌نظر می‌رسد و شاید اگر جمعیت می‌توانست کاهش یابد، حتی این امر هم توصیه می‌شد.

البته بدیهی است که ابلاغ یک مصوبه نمی‌تواند این مهم را ممکن سازد و راهکارهای فکر شده و قابل تحقیقی باید بتواند زمینه انجام این تحدید جمعیت را فراهم آورد: زیرا تهران عملکردهای مختلفی دارد، که هر یک محرک تراکم و جمعیت بیشتری است:

تهران مرکز سیاسی کشور و عمده‌ترین مرکز اداری و مالی کشور (۲۴ درصد شاغلان بخش عمومی در تهران شاغلند) و با ۲۲/۷ درصد دانشجویان، بزرگترین مرکز تحصیلات عالی است. بیش از ۴۰ درصد صنایع در آن مستقر هستند، ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۶ درصد ارزش افزوده در آن شکل می‌گیرد، بزرگترین مرکز خدمات پزشکی است و بسیاری از خدمات در سطوح عالی‌تر در آن قرار دارند، به گونه‌ای که ۳۹ درصد خدمات در آن ارائه می‌شود.

تاکنون راه‌حل‌های کاهش عملکردها و در پی آن جمعیت تهران از دو ویژگی عمده تبعیت کرده‌اند:

- ۱- از دو بخش عملکردهای عامل و عملکردهای معلول، همواره عملکردهای معلولی را هدف گرفته‌اند.
 - ۲- از دو روش محتمل برای انجام طرح، یعنی راهکاری که بخش عمومی متولی آن باشد و راهکاری که مردم و بخش خصوصی می‌باید مشکلات آن را تحمل کنند نیز راه حل دوم انتخاب شده است.
- نه تنها در گذشته این طور بوده، در آخرین طرح مصوب (یعنی طرح مجموعه شهری تهران) نیز همین روش پیشنهاد شده است.

مشکل تهران مشکلی ملی است و تنها وقتی می‌تواند حل شود، که دولت بار آن را به دوش بکشد و بخش عمومی برای این امر مایه بگذارد. در واقع راه حل اساسی، حمله به اصلی‌ترین علت توسعه شدید تهران یعنی مرکزیت سیاسی- اداریست. با حذف مرکزیت سیاسی، بخش عمده‌ای از مرکزیت اداری و مرکزیت مالی نیز به تغییر مکان می‌پردازند و تهران با حذف این عملکردها، فرصت می‌یابد که، با محدود شدن جمعیت در یک حد ثابت، به تمام برنامه‌های پیش گفته شده، جامه عمل بپوشاند و جز این، راهی برای خارج شدن از این دایره بسته وجود ندارد.

تحلیل نقطه نظرات مخالفان حذف مرکزیت سیاسی از تهران

از مهمترین مسائلی که گروه مخالف، بیان می‌کنند هزینه سنگین جابجایی مرکزیت سیاسی از تهران به مکان دیگری است که به سه دلیل، چندان پایه‌های محکمی ندارد.

اول اینکه وسعت شهرهای ایران هر ۱۵ سال، دو برابر می‌شود، بنابراین جابجایی یاد شده که حداکثر ده درصد این توسعه را دربر می‌گیرد، چندان ناشدنی نیست و دلیل دوم اینکه تهران به وسعتی رسیده که توسعه در آن به‌طور تصاعدی (از احداث یک شهر جدید یا رشد یک شهر کوچک) گران‌تر تمام می‌شود^۱ و ثالثاً شهرهای ایران با ضریب تخریبی ۴ درصد همواره در حال بازسازی‌اند، یعنی هر ۲۵ سال شهرهای کشور دوباره ساخته می‌شوند. به‌علاوه کشورهای بسیار فقیرتری در همسایگی ما، این راه را قبلاً پیموده‌اند. بدون شک با عدم تغییر مرکزیت سیاسی پاکستان از کراچی به شهر جدید اسلام‌آباد، کراچی الآن توان ادامه حیات نداشت، در حالیکه به شهری بسیار مناسب‌تر بدل شده است. عین همین امر در مورد هندوستان و تغییر مرکزیت سیاسی از بمبئی به دهلی نو و در ترکیه با تغییر پایتخت از استانبول به آنکارا، اتفاق افتاده و ممکن شده است.^۲

اشاره به شکست احداث شهرهای جدید کشور نیز اشتباه است، زیرا این شهرها که مقرر بود با هدف سکونت افراد کم‌درآمد شهرهای مادر شکل گیرند، به‌علت بالا بودن استانداردهای موردعمل، قادر به جذب این گروه نشد و به‌علاوه با احداث شهر به وسیله بخش عمومی (که با وجود دریافت کل هزینه ساخت قادر به احداث تأسیسات و تجهیزات آنها نشدند) این شکست حاصل شده است.

می‌دانیم که بیش از ۱۲۰ صنعت به امر ساخت، کمک کرده یا از آن ارتزاق می‌کنند و می‌دانیم که بخش اعظم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در بهترین شکل وقتی به اقتصاد کشور کمک می‌کند که به ساختمان‌سازی روی بیاورد و گرنه در پیش‌خرید اتومبیل، تلفن همراه و ... در واقع به واسطه‌گری کشیده شده یا از کشور خارج می‌شود. این سرمایه‌گذاری را نمی‌توان به دلخواه برنامه‌های دولت به شهرهایی سوق داد، که بازده آن از تورم کمتر است و اهمیت حفظ آن در بخش ساختمانی چنان حیاتی است، که با توقف تراکم فروشی در تهران، رئیس بانک مرکزی

۱ - دکتر عظیمی: مطالعات سال ۷۱ فکر می‌کرد که ۲ میلیون نفر از تهران با جابجایی سیاست‌ها می‌روند و دویست میلیارد تومان هزینه پیش‌بینی کرد.

۲ - حتی لندن هم برای کاهش فشار به پایتخت مرکز اداری خود را به کرایلون منتقل کرد.

به درستی اعلامیه صادر می‌کند، که این مسئله را همین امروز ملغی کنید، چون حتی اگر به فردا برسد برای اقتصاد کشور خطرناک است و این موضوع را با علم به اینکه تراکم‌فروشی و افزایش جمعیت تهران تا چه حد ناصحیح است، اعلام می‌کند. پیش‌بینی ایشان درست از آب در می‌آید، سرمایه‌راهی دویی و ترکیه و دیگر نقاط می‌شود، صنایع مرتبط به ساختمان دچار مشکل می‌شوند و شاغلان آنها به مخاطره بیکاری می‌افتند. این سرمایه‌راهی می‌توان به مرکز سیاسی جدید، هدایت کرد؛ به شهری که بدون شک بازدهی بیش از تهران را برای سرمایه‌گذاران آن تدارک خواهد دید.

به‌علاوه در شرایط حاضر و خیل عظیم بیکاری ساخت یک پایتخت جدید با ده‌ها صنعت وابسته و هزاران شغلی که ایجاد می‌کند، می‌تواند به اقتصاد کشور و کاهش بیکاری کمک هم بنماید.

بر آورد کاهش جمعیت تهران

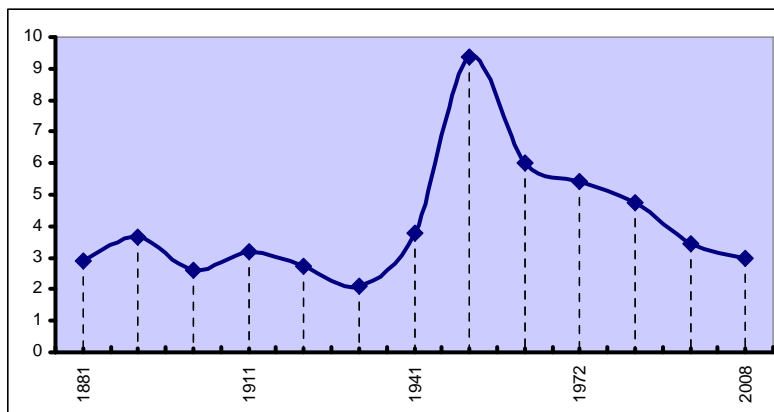
براساس آخرین مطالعه (دهه گذشته) تعداد کارکنانی که با تغییر پایتخت از تهران منتقل می‌شوند ۱۱۲ هزار نفر است که با خانواده آنها حدود ۴۵۰ نفر جمعیت خواهند شد و با احتساب ۱/۵ شغل جنبی و تبعی، سقف جمعیت منتقل شونده به حدود یک میلیون نفر می‌رسد. لیکن اصلاً این مقدار به شرحی که در پی می‌آید، مهم نیست. بلکه مهم این است که تغییر پایتخت موجب کاهش رشد فزاینده جمعیت تهران می‌شود. در جداول و نمودارهای بعد نمونه‌های کاهش را در چند شهر که پایتخت از آنها منتقل شده است، نمایش داده می‌شود.

روند کاهش جمعیت کراچی پس از تغییر پایتخت از آن

در حالی که رشد جمعیت تا ۹/۳۸ درصد در سال افزایش یافته بود، پس تغییر پایتخت روند کاهش

شروع و در ۲۰۰۸ به ۰.۳٪ رسیده است.

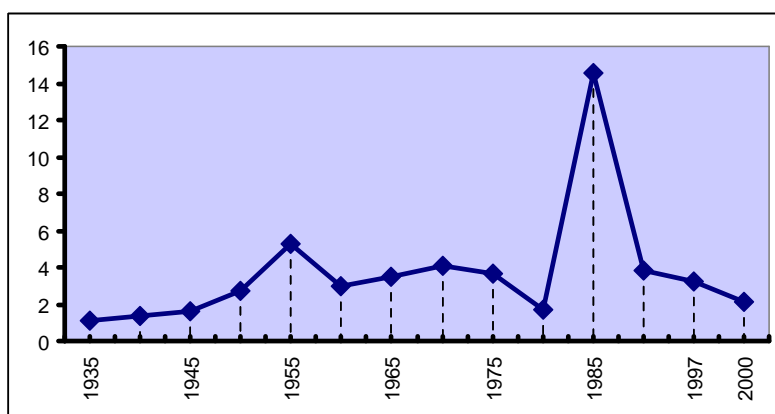
سال	جمعیت	نرخ رشد
۱۸۸۱		2.92
۱۸۹۱		3.64
۱۹۰۱		2.62
۱۹۱۱		3.20
۱۹۲۱		2.72
۱۹۳۱		2.11
۱۹۴۱		3.78
۱۹۵۱		9.38
۱۹۶۱		6.00
۱۹۷۲		5.44
۱۹۸۱		4.76
۱۹۹۸		3.45
۲۰۰۸		3.00



روند کاهش جمعیت شهر استانبول پس از تغییر پایتخت از آن

در استانبول روند رشد جمعیت تا ۵/۲۴ درصد افزایش یافته بود، که بعد از تغییر پایتخت روند کاهشی شروع شود تا ۲۰۰۴ به ۲/۱۴ درصد کاهش یافته است.

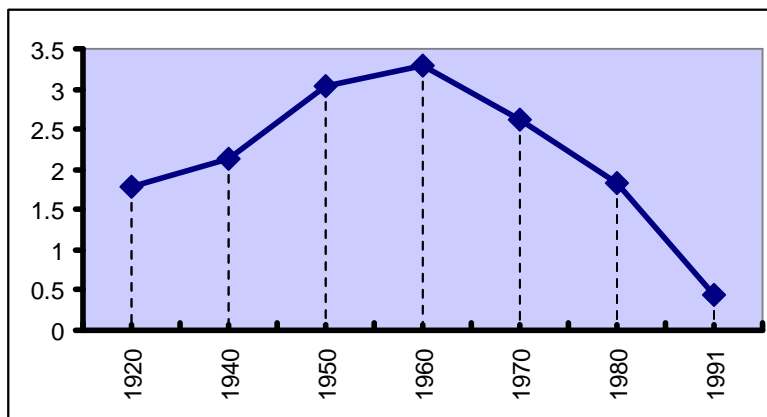
سال	جمعیت	نرخ رشد
1935	۷۴۱,۱۴۸	1.07
1940	۷۹۳,۹۴۹	1.39
1945	۸۶۰,۵۵۸	1.62
1950	۹۸۳,۰۴۱	2.70
1955	۱,۲۶۸,۷۷۱	5.24
1960	۱,۴۶۶,۵۳۵	2.94
1965	۱,۷۴۲,۹۷۸	3.51
1970	۲,۱۳۲,۴۰۷	4.12
1975	۲,۵۴۷,۳۶۴	3.62
1980	۲,۷۷۲,۷۰۸	1.71
1985	۵,۴۷۵,۹۸۲	14.58
1990	۶,۶۲۰,۲۴۱	3.87
1997	۸,۲۶۰,۴۳۸	3.21
2000	۸,۸۰۳,۴۶۸	2.14



روند کاهش جمعیت ریودوژانیرو پس از تغییر پایتخت از آن

در ریودوژانیرو رشد جمعیت تا ۳/۲۸ درصد در سال افزایش یافته و پس از تغییر پایتخت روند کاهشی آغاز و به کمتر از ۰/۵ درصد در ۱۹۹۱ رسیده است.

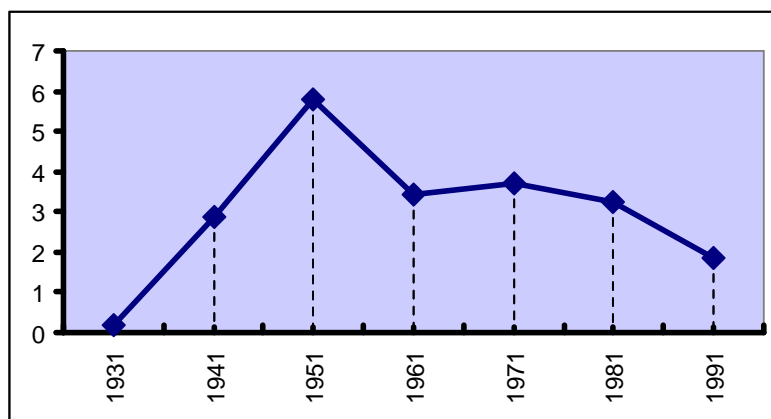
سال	جمعیت	نرخ رشد
1920	۱,۱۵۷,۸۷۳	1.79
1940	۱,۷۶۴,۱۴۱	2.13
1950	۲,۳۷۷,۴۵۱	3.03
1960	۳,۲۸۱,۹۰۸	3.28
1970	۴,۲۵۱,۹۱۸	2.62
1980	۵,۰۹۰,۷۰۰	1.82
1991	۵,۳۳۶,۱۷۹	0.43



روند کاهش رشد جمعیت بمبئی پس از تغییر پایتخت از آن

در بمبئی رشد به ۵/۸۱ درصد در سال رسیده بود که با تغییر پایتخت روند کاهشی آغاز و تا ۱۹۹۱ به ۱/۸۷ درصد کاهش یافت.

سال ^۱	جمعیت ^۱	نرخ رشد ^۱
1931	1,268,306	0.19
1941	1,686,127	2.89
1951	2,966,902	5.81
1961	4,152,056	3.42
1971	5,970,575	3.70
1981	8,227,382	3.26
1991	9,900,000	1.87



اثرات مثبت دیگر تغییر پایتخت

لیکن مهمتر از هر دو اینها (کاهش جمعیت و کاهش رشد جمعیت) این است که، با تغییر پایتخت حدود ۳۰٪ از حجم آمد و شد شهری کاسته می‌شود و حدود ۴۰٪ از مسافرت‌های کاری شهرستانی‌ها به تهران و آمد و شد آنها در تهران کم می‌شود. در نتیجه حجم آمد و شد و در پی آمد آن آلودگی هوای تهران که ۷۰٪ به آلوده شدن مربوط است، تا حد قابل تحملی کاهش می‌یابد.

در این بین باید یادآوری کرد که پیشنهاد انتقال مرکز سیاسی تهران، پیشنهاد انتقال تهران نیست گرچه این تجربه که ۳۹ بار در کشور اتفاق افتاد، تجربه مکرری در ایران است^۱ ولی به هر حال قرار نیست با این انتقال، تهران و مسائل آن فراموش شود. انتقال مرکز سیاسی از تهران و به تبع آن تعدادی از مشاغل مرتبط، تنها به تهران فرصت می‌دهد که از توسعه بیشتر ناشی از حضور آن عملکردها نجات یابد و در یک دوره چند دهه‌ای، به مسائل خود پاسخ گوید و در آینده به کلانشهری مطلوب بدل گردد.

سهراب مشهودی

۱ - براساس مطالعات باقر میلانی: از پایتختی شوش تا تهران، ایران ۳۹ بار مرکزیت سیاسی کشور را عوض کرده و ۲۹ شهر در این ۳۹ بار پایتخت شده‌اند (بعضی بیش از یک بار) به طور متوسط هر ۶۵ سال یک بار مرکزیت سیاسی کشور عوض شده است. از شهرهای کمتر مشهور به عنوان پایتخت می‌توان از ساری، کازرون، دامغان نام برد.